

## Victimization of women in the national and transnational realm with emphasis on criminological theories

Mahdiyeh Vejdani fakhr<sup>1</sup>, Shahraddar Darabi<sup>2</sup>, Ali Najafi tavana<sup>3</sup>

### Abstract

**Field and Aims:** From the second half of the twentieth century, criminologists changed their views on crime and considered crime as something beyond the offender, and in this regard, the victim was also considered. The purpose of this study is to explain the victimization of women with emphasis on criminological and victimological theories. And theories of rational choice, routine activities and lifestyle are known as theories of crime opportunities, and the theory of victim precipitation is defined as the victimological theory. In this article, these theories are used as the most important basis for victimization of women.

**Method:** The present research was carried out using a descriptive-analytical method.

**Finding and Conclusion:** According to the theory of victim precipitation, the victim has a role in the process of committing criminal behavior, and according to this role, the victim deserves blame, and the victim's actions, such as age, gender, are the primary characteristics that can make her a target for crime. her position in situations that make it difficult for her to make optimal decision.. But regardless of their role as provocateurs or facilitators or lifestyles, women deserve differential support because of their vulnerability characteristics. And opportunity theories, in addition to acknowledging that crime opportunities can belong to different domains, claim that opportunity factors interact in different domains.

**Keywords:** victimology, victim precipitation, criminology, women.

\*Citation (APA): Vejdani fakhr, M., Darabi, SH., Najafi tavana, A. (2022). Victimization of women in the national and transnational realm with emphasis on criminological theories. *International Legal Research*, 15(56), 1-15.

[http://alr.iauctb.ac.ir/article\\_691721.html?lang=en](http://alr.iauctb.ac.ir/article_691721.html?lang=en)

1. Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Email: Mahdie.vojdani@gamil.com

2. Department of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. (Author).

Email: Shahraddar.darabi@yahoo.com

3. Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Email: najafitavani@gmail.com

## بزه‌دیدگی زنان در قلمرو ملی و فراملی با تاکید بر نظریات جرم‌شناسی

مهديه وجداني فخر<sup>۱</sup>، شهرداد دارابی<sup>۲</sup>، علی نجفی توانا<sup>۳</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** از نیمه دوم سده بیستم جرم‌شناسان دیدگاه‌های خود را پیرامون بزه تغییر داده و بزه را امری فراتر از بزه‌کار در نظر گرفتند و در این راستا بزه‌دیده را نیز مطرح نظر قرار دادند. هدف از این تحقیق، تبیین بزه‌دیدگی زنان با تاکید بر نظریات جرم‌شناختی و بزه‌دیده شناختی می‌باشد و نظریه‌های انتخاب عقلانی یا گزینش خرد بنیاد، فعالیت‌های روزمره و سبک زندگی به عنوان نظریه‌های فرصت‌های جرم شناخته می‌شود و نظریه شتاب‌دهندگی یا نقش آفرینی بزه‌دیده در رخداد جرم به عنوان نظریه بزه‌دیدگی صرف در خصوص جرایم ارتكابی علیه زنان تبیین می‌گردد که در این مقاله این نظریات به عنوان مهم‌ترین مبنا برای تبیین رخداد جرایم علیه ایشان به کار می‌رود.

**روش:** پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

**یافته‌ها و نتایج:** براساس نظریه شتاب‌دهندگی، بزه‌دیده در فرآیند ارتكاب رفتار مجرمانه نقش دارد و به اعتبار این نقش، بزه‌دیده مستحق سرزنش است و کنش‌های بزه‌دیده از قبیل سن، جنس به عنوان ویژگی‌های اولیه‌ای است که می‌تواند وی را آماج ارتكاب جرم قرار دهد، تاثیرپذیری بزه‌دیده از اوضاع و احوال پیرامونی و قرار گرفتن وی در موقعیت‌هایی که شرایط تصمیم‌گیری بهینه را برای وی دشوار می‌سازد، می‌تواند در پرتو شتاب‌دهندگی کنش‌پذیرانه مورد تدقیق قرار گیرد؛ اما صرف نظر از نقش تحریک‌گر یا تسهیل‌گر و یا سبک زندگی، زنان شایسته بهره‌مندی از حمایت‌های فرق‌گذار به دلیل ویژگی‌های آسیب‌پذیری‌شان می‌باشند و نظریه‌های فرصت علاوه بر اذعان به این امر که فرصت‌های جرم می‌توانند به حوزه‌های گوناگون تعلق داشته باشند، ادعا می‌کند که عامل‌های مربوط به فرصت‌ها در حوزه‌های گوناگون با یکدیگر هم‌کنشی دارند.

**کلیدواژه‌ها:** بزه‌دیده‌شناسی، جرم‌شناسی، نقش آفرینی بزه‌دیده، زنان.

\* استناددهی (APA): وجدانی فخر، مهديه؛ دارابی، شهرداد؛ نجفی توانا، علی. (۱۴۰۱). بزه‌دیدگی زنان در قلمرو ملی و فراملی با تاکید بر نظریات جرم‌شناسی. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۵(۵۶)، ۱-۱۵.

[http://alr.iauctb.ac.ir/article\\_691721.html](http://alr.iauctb.ac.ir/article_691721.html)

۱. گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: Mahdie.vojdani@gmail.com

۲. گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: shahrdad.darabi@yahoo.com

۳. گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: Najafi.tavani@gmail.com

## مقدمه

به‌طور کلی دو نگرش درباره پیدایش جرم‌شناسی و تحولات آن وجود دارد. رهیافت اروپایی که پیدایش جرم‌شناسی را در مکتب اثبات‌گرا و تحول آن را در بستر علم باوری قرن نوزدهم به این سو تحلیل می‌کند و رهیافت انگلوآمریکن، که پیدایش جرم‌شناسی را به عصر کلاسیک مربوط می‌داند و بر پایه این دو رهیافت جرم‌شناسی را می‌توان به سه دوره اصلی تقسیم کرد که عبارت‌اند از: دوره غیرعلمی، دوره علمی و دوره پسا علمی. در دوره غیرعلمی بیشتر بر پدیده جرم متمرکز می‌باشد تا مجرم و مطالعات انجام شده در این دوره بیشتر جنبه فلسفی داشته و تا مدت‌ها عمل بزهکارانه را نتیجه یک نوع جبر سرنوشت می‌پنداشتند که گریز از آن اجتناب‌ناپذیر بود که این دوره را دوره جرم‌مداری می‌نامند و دوره علمی را به دلیل تمرکز بر شخص بزهکار دوره بزهکارمداری می‌نامند. دوره پسا علمی نیز که به دوره جرم‌شناسی متقابل تعبیر شده است به تحولات جرم‌شناسی در فرایند عبور از جریان اصلی علمی / تجربی و نظریه‌های انتقادی و گرایش‌های نوین جرم‌شناسی در قرن بیستم می‌پردازد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۶۹). تئوری‌های فرصت که در دوره اول مطرح شدند علاوه بر اذعان به این امر که فرصت‌های جرم می‌توانند به حوزه‌های گوناگون تعلق داشته باشند ادعا می‌کند که عامل‌های مربوط به فرصت‌ها در حوزه‌های گوناگون با یکدیگر هم‌کنشی دارند و در نتیجه یک عامل خطرزای بزه‌دیدگی در همه حوزه‌ها یکسان نمی‌باشد و از منظر این دیدگاه، خطر کلی بزه‌دیدگی حاصل کنش دو سویه میان عامل خطرزای شخصی با خطرات موجود در محیط‌های گوناگون است (ورایی، ۱۳۹۳: ۱۳۸۷) و نظریه شتاب دهنده‌گی یا نقش آفرینی بزه‌دیده در رخداد جرم به نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم می‌پردازد که ما در این مقاله با تأکید بر نظریات مذکور به تبیین بزه‌دیدگی زنان خواهیم پرداخت.

۱. تبیین‌های جرم‌شناختی: نظریه‌های فرصت جرم<sup>۱</sup>

نظریه‌های فرصت جرم بیش‌تر بر پایه مشخصات فردی بزه‌دیده یعنی جذابیت هدف، دسترسی فردی و محافظ‌های وی ایجاد می‌گردد. از سوی دیگر شرایط محیطی پدیدآورنده انگیزه برای بزهکار است. به عقیده ترنس میت<sup>۲</sup> و رابرت میر<sup>۳</sup>، جرم بر اثر هم‌کنش عامل‌های ساختاری پدیدآورنده جرم در محیط و شاخص‌های آسیب‌پذیری در میان شهروندان که آن‌ها را هدف برگزیده‌ای برای بزه‌دیدگی می‌سازد، تحقق می‌یابد. نظریه‌های انتخاب عقلانی<sup>۴</sup> یا گزینش خرد بنیاد، فعالیت‌های روزمره و سبک زندگی<sup>۵</sup> و فضاهای قابل دفاع<sup>۶</sup> در دوره غیرعلمی جرم‌شناسی که به عصر جرم‌مداری نیز معروف است تبیین شده است که درباره علل وقوع جرم است و به

1. Crime Opportunity Theory
2. Terance Miethe
3. Robert Meier
4. Rational Choice Theory
5. Routin Activities And Lifestyle Theory
6. Defensible Space Theory

عنوان نظریه‌های فرصت‌های جرم شناخته می‌شوند و این نظریه‌ها علاوه بر اذعان به این امر که فرصت‌های جرم می‌توانند به حوزه‌های گوناگون تعلق داشته باشند ادعا می‌کند که عامل‌های مربوط به فرصت‌ها در حوزه‌های گوناگون با یکدیگر هم‌کنشی دارند.

### ۱-۱. نظریه‌گزینش خرد بنیاد

بی‌تردید تصور و اندیشه مجرمانه، تصمیم بر ارتکاب، تهیه مقدمات و عینیت یافتن عملیات اجرایی جرم تابع سنجش مضار و منافع رفتار ارتكابی است.

بکاریا را نخستین کسی دانسته‌اند که این نظریه را در چارچوب مفهوم اراده آزاد تبیین کرد. به باور بکاریا کیفر باید با شدت جرم و خطرناکی بزهکار متناسب باشد؛ به‌طوری که هزینه جرم همواره از فایده آن بیشتر شود. در این صورت کسانی که سودای ارتکاب جرم را در سر می‌پرورانند از ارتکاب جرم بازداشته می‌شوند؛ زیرا محاسبه خرد بنیاد آنان را به این سمت وامی‌دارد. دومین کسی که پایه‌های نظریه‌گزینش خرد بنیاد یا همان انتخاب عقلانی را مطرح کرد بنتام بود. به باور او بزهکار فردی آزاد، باهوش و عاقل است که به‌طور واقعی دست به محاسبه سود و زیان ارتکاب جرم می‌زند و در واقع انتخاب عقلانی یا همان گزینش خرد بنیاد به دنبال آن است که جرم چگونه رخ داده است، بی‌آنکه الزاماً مدارکی دال بر اینکه چرا رخ داده است، لازم باشد.

جرم‌شناسان استدلال می‌کنند که بزهکاران احتمالی با یک حسابگری عقلانی یا خرد بنیاد در فرصت‌های ارتکاب جرم عمل می‌کنند؛ بنابراین همیشه افرادی هستند که اگر فرصتی بیابند مرتکب جرم می‌شوند و در واقع این نظریه یکی از نظریه‌های اصلی است که به جرم‌شناسی محیطی به نوعی اشاره دارد و احتمال‌هایی مانند دیده شدن، آسانی ورود به محل ارتکاب جرم و امکان فرار را بی‌آنکه شناسایی شوند در نظر می‌گیرند. زنان و دختران وقتی در معرض بزه قرار می‌گیرند و قربانی می‌شوند اغلب به دنبال توضیح و توجیه کردن بزه ارتكابی می‌باشند و این توجیحات می‌تواند بزهکار را آسوده و تبرئه کند و منجر به بخشودگی رفتار خشونت‌آمیز می‌گردد و بدین ترتیب حتی بزهکار را به تکرار عمل ترغیب می‌کند. بزهکار در نظر خودش، خود را تأیید شده می‌بیند. بدین معنا که: «اعمال من هیچ پیامدی ندارد» و «اتفاقی برای من نمی‌افتد» یا بزه‌دیده از من می‌ترسد و شکایت نمی‌کند».

### ۱-۲. نظریه‌های فعالیت‌های روزمره و سبک زندگی

اگرچه وقوع بزهکاری در پرتو عوامل چندگانه تحلیل می‌شود، اما ساختار و شرایط زندگی افراد جامعه می‌تواند یکی از عوامل تأثیرگذار در پدیده مجرمانه باشد. با توجه به نظریه بنیادی انتخاب خرد بنیاد یا عقلانی، فرصت‌های ارتکاب جرم که بزهکاران احتمالی همواره به آنها عمل می‌کنند،

به فعالیت‌های روزمره و سبک زندگی آنها بستگی دارد. سبک زندگی، نقش‌های مبتنی بر جنسیت و محدودیت‌های اجتماعی منحصر به روابط جنسی، نقش راهبردی در تشریح متفاوت بودن خطر بزه‌دیدگی افراد دارد. متناسب با نوع جرم، این احتمال وجود دارد که یک شخص صرفاً به دلیل نوع جنسیت خود در معرض خطر شدید بزه‌دیدگی باشد (افراسیابی، ۱۳۹۳: ۱۲۹۱).

این نظریه فرض می‌کند که سه عامل برای بروز رخداد مجرمانه ضروری است: (۱) وجود یک بزه‌کار با انگیزه؛ (۲) وجود یک آماج یا بزه‌دیده متناسب؛ (۳) نبود یک نگهبان یا محافظ. بدین ترتیب دگرگون ساختن اثر یکی از این عوامل‌ها برای خنثی کردن فرصت جرم و یا پیشگیری از آن ضروری است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳: ۵۰). جرم‌شناسانی که در ابتدا به تبیین این نظریه پرداخته‌اند استدلال می‌کنند که برخی از تغییر و تحول‌های جهان امروز فرصت‌های مجرمانه گسترده‌ای را فراهم ساخته‌اند که در تغییر فعالیت‌های روزمره و سبک زندگی افراد ریشه دارند. در همین راستا پاتریشیا و پل برنتینگهام<sup>۱</sup> جرم‌شناسان کانادایی در سال ۲۰۰۸ نظریه الگوی جرم<sup>۲</sup> را معرفی کردند که به موجب آن بزه‌کاران به طور معمول در ناحیه‌هایی دست به ارتکاب جرم می‌زنند که در جریان فعالیت‌های روزمره برایشان شناخته شده بوده است. این مهم در بزه‌دیدگی زنان نیز می‌تواند مد نظر قرار گرفته و با در نظر داشتن سبک زندگی ایشان و فعالیت‌های روزمره آن‌ها در پرتو آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی آبی تحلیل شود (وجدانی فخر و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۶). افزون بر این شهروندان نیز از طریق اخبار و گزارش رسانه‌ها در جریان رویدادهای جنایی و نیز طرز کار و عملکرد عدالت کیفری قرار می‌گیرند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۴۸). این مهم نیز می‌تواند در افزایش ترس از بزه‌دیدگی در میان زنان موثر باشد.

### ۱-۲-۱. بزه‌دیدگی برخاسته از فعالیت‌های روزمره و سبک زندگی

مفهوم سبک زندگی یکی از مهم‌ترین چارچوب‌های تبیینی در مباحث جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی در دهه‌های اخیر بوده است. سبک زندگی مفهومی می‌باشد که با طیفی از متغیرهای فردی، فرهنگی، دینی و اجتماعی و محیط زیستی گره خورده است که در توصیف و تحلیل نیازمند رویکردی میان‌رشته‌ای می‌باشد. به عبارت دیگر تفاوت‌ها و تمایزهای فردی و روان‌شناختی به‌ویژه در موضوعی مانند سبک زندگی بر خلاف نظریه‌های کلاسیک روان‌شناختی، امری صرفاً فردگرایانه و شخصیتی محسوب نمی‌شود، بلکه به‌شدت با ساختار و متن اجتماعی و بافت و سرمایه فرهنگی و محیط در تعامل هستند (ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۲: ۳۴). سبک زندگی در نگاهی کلی، به الگوی منحصر به فرد از ویژگی‌ها و عادت‌های رفتاری انسان در زندگی روزمره و موقعیت‌های اجتماعی اشاره دارد. سبک زندگی نسبت بزرگی با زندگی جاری و روزمره دارد که در اشکال

1. Patricia and Paul Brantingham  
2. Crime Pattern Theory

مختلف زندگی مانند سبک پوشش، سبک خوردن، سبک موسیقی، سبک فراغت، سبک یادگیری و سبک مدیریت به کار می‌رود. هر چند در سال‌های اخیر مفهوم سبک زندگی بیشتر توسط رویکردهای جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی و در حوزه الگوهای مصرف و کاربرد آن در میان گروه‌ها و طبقات گوناگون اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است، اما سرچشمه‌های آن را باید در روان‌شناسی جستجو کرد. فرآیند شکل‌گیری و تغییر در سبک زندگی به هیچ‌عنوان ساده نیست. عوامل بسیاری موجب پدید آمدن یک سبک و سپس اوج‌گیری یا نزول و خاموشی یک سبک در زندگی و اجتماع می‌شوند. این عوامل تا حدودی خارج از کنترل دولت‌ها است و به شدت تحت تأثیر تغییرات فرهنگی و محیط زیستی و اجتماعی و تحولات در انگیزش‌ها، رجحان‌ها و الگوهای رفتاری تک‌تک افراد یک جامعه می‌باشد. سبک زندگی هر چند ابتداء، امری مبتنی بر انتخاب‌های فردی و متکی بر هویت‌های شخصی است، اما آن را به‌ویژه در مرحله عمومی شدن نمی‌توان بی‌توجه به بافت اجتماعی و فرهنگی مورد تجزیه و تحلیل قرارداد. زنان و دختران برای نمونه با توجه به خصوصیات فیزیولوژیکی که دارند در خشونت‌های محیط زیستی آسیب‌پذیرتر هستند. موضوع گرمایش جهانی نیز در مقیاس‌های متفاوت اثرات و تبعاتی بر روی سبک زندگی زنان خواهد داشت با مطالعه تعارضات محیط زیستی از جمله توزیع ناعادلانه اکولوژیک به راحتی می‌توان دریافت که همین امر باعث بروز خشونت علیه زنان خواهد شد. برای نمونه محدود بودن دسترسی به آب و غذا و رویدادهای آب و هوایی غیرمعمول معاش خانواده‌های آسیب‌پذیر را دشوار و در نهایت منجر به مهاجرت‌های اجباری (که اغلب زنان تابع تصمیمات همسران و پدران خود هستند) و تغییر سبک زندگی آنان خواهد شد و نباید فراموش کرد که خشونت‌های محیط زیستی یکی از مهم‌ترین اختلالات اجتماعی عصر مدرن علیه زنان است که مورد غفلت قرار گرفته است.

در سال ۲۰۰۵، پیمایش ملی بزه دیدگی<sup>۱</sup> نمونه دیگری از تأثیر جنسیت در بزه‌دیدگی را به تصویر می‌کشد: در جرایم خشونت‌آمیز زنان و دختران اغلب از جانب افراد آشنا بزه‌دیده می‌شوند درحالی‌که مردها اغلب از جانب بیگانه‌ها بزه‌دیده می‌شوند. بررسی همه جرایم خشونت‌آمیز حاکی از آن است که ۶۴ درصد از زنان، از سوی افراد آشنا بزه‌دیده می‌شوند. درحالی‌که ۵۴ درصد از مردان از سوی بیگانگان آماج جرم قرار گرفته بودند. بررسی دقیق ارتباط میان بزه‌کار و بزه‌دیده در جرایم خشونت‌آمیز توسط افراد آشنا حاکی است، ۳۹ درصد از بزه‌دیدگی زنان از سوی افراد آشنا و دوستان آنها انجام شده است و ۱۸ درصد از بزه‌دیدگی خشونت‌آمیز آنها از سوی شریک جنسی صورت گرفته است (افراسیابی، ۱۳۹۳: ۱۲۰۱). در سطح خرد<sup>۲</sup>، شخصیت و خصوصیات زیستی و روانی فرد، خانواده، دوستان و مدرسه و دانشگاه بر زندگی روزمره و سبک و شیوه

1. National Crime Victimization Survey

2. Micro Level

زندگی فرد اثرگذارند. در سطح کلان، فضای زندگی در شهر و جهان پیرامون، رسانه‌ها، فضای پرتحرک اجتماعی و سیاسی و جو فرهنگی جامعه بر سبک زندگی و تغییرات آن مؤثر واقع می‌شود.

## ۲. تبیین‌های بزه‌دیده‌شناختی: نظریه‌های بزه‌دیدگی

اگرچه قانون مطالعات جرم‌شناسی اثباتی از همان ابتدا بر شخص بزهکار متمرکز بود، ولی از نیمه قرن بیستم به‌ویژه از دهه ۴۰ میلادی به تدریج به سوی مطالعه بزه‌دیده<sup>۲</sup> نیز جهت‌گیری یافت. این مطالعات ابتدا به پیدایش دوره‌ای انجامیدند که از رویکردی علت‌شناسانه، با مقصر انگاشتن بزه‌دیده به عنوان یکی از کنش‌گران پدیده مجرمانه، به دوره سرزنش بزه‌دیده<sup>۳</sup> معروف است و سپس وارد مرحله‌ای شد که موضوع حمایت از بزه‌دیدگان را به منزله هدف اصلی خود برگزید و آن را به عنوان دوره کمک به بزه‌دیده یا دفاع از بزه‌دیده<sup>۴</sup> می‌شناسند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۶۹). نظریه شتاب‌دهندگی بزه‌دیده که در نظریه سرزنش بزه‌دیده ریشه دارد به عنوان یکی دیگر از نظریه‌های فرصت جرم در جرم‌شناسی شناخته شده است.

### ۲-۱. نظریه نقش‌آفرینی بزه‌دیده در رخداد جرم

بی‌شک یکی از اضلاع فرایند بزهکاری، علاوه بر جرم و مجرم، بزه‌دیده است. جایگاه بزه‌دیده در وقوع جرم از مناظر مختلف قابل بررسی می‌باشد. در این میان با فاصله گرفتن از بزه‌دیده‌شناسی سنتی که متضمن حمایت مطلق از بزه‌دیدگان بود، نقش بزه‌دیده در تسریع فرایند بزهکاری و حتی سرزنش<sup>۵</sup> وی مورد بررسی قرار می‌گیرد (دارابی، ۱۳۹۸: ۳۰). نظریه شتاب‌دهندگی نقش‌آفرینی بزه‌دیده در رخداد جرم<sup>۶</sup> فرض می‌گیرد که بزه‌دیده یک عامل مهم در علت‌شناسی رخداد مجرمانه است که با کنش و رفتار خود ارتکاب جرم از سوی بزهکار را سبب می‌شود، به آن شکل می‌دهد و در واقع آن را شتاب می‌دهد. اگرچه از همان دهه‌های ابتدای قرن بیستم بحث‌های درباره نقش تحریک‌آمیز برخی بزه‌دیدگان در پدیده مجرمانه قتل مطرح شدند، ولی فون هنتینگ جرم‌شناس آلمانی بود که با معرفی بزه‌دیده به مثابه عامل کنشگر در رخداد مجرمانه این نظریه را سازمان‌دهی کرد. وی در سال ۱۹۴۱ در کتاب بزهکار و بزه‌دیده او، بزه‌دیدگان را یکی از کنش‌گران جرم می‌پنداشت که بر پایه نقشی که در رخداد مجرمانه دارند دسته‌بندی می‌شوند (رایجیان اصلی،

#### 1. Macro Level

۲. این بازه زمانی مصادف با پایان جنگ جهانی دوم و کارنامه روی هم رفته منفی نظام کیفری و پیدایش جرم‌شناسی پیشگیری

نیز بود. (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۱)

#### 3. Victim Blaming

#### 4. Victim Helping / Advocacy

#### 5. Victim Blaming

#### 6. Victim Precipitation Theory

۱۳۹۰: ۴۰). هنتینگ بر این اساس استدلال می‌کند که بزه‌دیدگان از گذر رضایت دادن به ارتکاب جرم، آسان کردن فرایند ارتکاب جرم، تشویق و ترغیب بزه‌کار، یا تحریک او نقشی علی در رخداد مجرمانه ایفا می‌کنند.

فرد دیگری که به مطالعه بزه‌دیده از این منظر توجه کرد؛ مندلسون حقوقدان رومانیایی بود وی در سال ۱۹۴۷ مقاله‌ای به فرانسوی به کنگره‌ای در بخارست ارائه کرد و اصطلاح بزه‌دیده‌شناسی را به کار برد.<sup>۱</sup> او استدلال کرد که بزه‌دیدگان را می‌توان با توجه به درجه تقصیر یا سرزنش پذیری‌شان در پدیده مجرمانه فرق‌گذاری کرد و بدین ترتیب راه را برای گونه‌شناسی بزه‌دیدگان باز کرد. با وجود این او چون یک وکیل دادگستری بود از فرضیه نقش اثرگذار بزه‌دیده در فرایند پدیده مجرمانه به عنوان یک کیفیت تخفیف دهنده کیفر دفاع می‌کرد. ماروین ولف گنگ نیز در پژوهش‌های خود، ارتباط میان مجرم و بزه‌دیده را در جرم قتل بررسی کرد و عبارت نقش آفرینی یا شتاب دهنده‌گی بزه‌دیده در وقوع جرم را برای معرفی وقایعی که در آنها بزه‌دیده نقش تعیین‌کننده در رخداد نتیجه ایفا می‌کند را مطرح کرد. (رستمی تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۴۲۱). بر این اساس این پژوهش‌ها را پشتیبان نظریه نقش آفرینی یا شتاب دهنده‌گی بزه‌دیده به شمار آورده‌اند. موضوعی که امروزه در قوانین کیفری کشورهای مختلف از جمله ایران مطمح نظر قرار گرفته است و قانون‌گذار در بند پ ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده را در اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم به عنوان یکی از مؤلفه‌های کیفیات مخففه لحاظ نموده است.

## ۲-۲. حالت‌های نقش آفرینی یا شتاب‌دهندگی

مهم‌ترین نظریه‌ای که در رهیافت بزه‌دیده‌شناسانه زنان می‌توان به آن استناد کرد؛ نظریه شتاب‌دهندگی بزه‌دیده است که بر اساس این نظریه بزه‌دیده در فرآیند ارتکاب رفتار مجرمانه نقش دارد و به اعتبار این نقش، بزه‌دیده مستحق سرزنش است. از آنجا که شتاب‌دهندگی بزه‌دیده ممکن است مستقیم (کنش‌گرانه) یا نامستقیم (کنش‌پذیرانه) باشد، نقش شتاب‌دهنده مستقیم یا غیرمستقیم بزه‌دیده را باید در هر جرم به‌طور جداگانه در نظر گرفت. برای نمونه در بزه اسیدپاشی به نظر می‌رسد که نقش شتاب‌دهنده بزه‌دیده بر حسب مورد می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم باشد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۱۴۱). با وجود این گذشته از نقش تحریک‌کننده یا شتاب‌دهنده بزه‌دیده در فرایند ارتکاب جرم، او شایسته بهره‌مندی از حق‌های مشخص و حمایت‌های ویژه‌ای است. در خصوص این نظریه بزه‌های مختلفی مانند سرقت و تجاوز را نیز می‌توان تبیین کرد.

۱. البته در خصوص مفهوم‌سازی اصطلاح بزه‌دیده‌شناسی اختلاف نظر وجود دارد به طوری که جرم‌شناسانی مانند عزت فتحا بر این باورند که یک روان‌پزشک کاتادایی به نام فردریک ورتام این اصطلاح را مفهوم‌سازی کرده است.



به‌طور کلی با توجه به نقش شتاب‌دهندگی، زنانی که در حال مستی برای نمونه مورد تجاوز قرار گرفته بودند یا سوابق رفتارهای جنسی داشتند، در بزه‌دیدگی خود مقصر شناخته می‌شدند و نقش مستقیم را ایفا می‌کردند. علاوه بر این با این استدلال که «می‌توانستند آن مرد را ترک کنند اما این کار را نکردند» مسئول استمرار آن رفتارهای خشونت‌آمیز محسوب می‌شدند.

## ۲-۱. نقش آفرینی کنش‌گرانه

خصایص اولیه و کنش‌های بزه‌دیده از قبیل سن، جنس، شرایط جسمانی به عنوان ویژگی‌های اولیه‌ای است که می‌تواند وی را آماج ارتکاب جرم قرار دهد، بر این اساس دختر بچه‌ای که با زیورآلات طلا به مدرسه می‌رود، می‌تواند هدف مناسبی برای سرقت قلمداد گردد، همچنین کنش‌های بزه‌دیده از حیث گویش، پوشش و رفتار به ویژه در دختران می‌تواند از مصادیق شتاب‌دهندگی کنش‌گرانه باشد.

## الف: تحریک‌گری<sup>۱</sup>

فون هنتینگ<sup>۲</sup> به این نکته اشاره می‌کند که همه بزه‌دیدگان را نمی‌توان کاملاً مصون از اشتباه دانست. گاهی آن‌ها نقش عامل تحریک‌کننده را بازی می‌کنند. به بیانی دیگر آن‌ها تا حدودی با بزه‌کار هم‌دست می‌شوند. البته فون هنتینگ خیلی زود به این نتیجه رسید که همه بزه‌دیدگان به شکلی فعال در بزه‌دیدگی خویش نقش ندارند (شیری، ۱۳۹۳: ۱۴۰۸). بر این اساس فون هنتینگ گونه‌های از بزه‌دیدگان را تشریح کرد که شامل اشخاص جوان، زنان و دختران، سالمندان، مهاجران، افراد دگرتوان<sup>۳</sup> و مانند آن بود و افراد یاد شده به دلایل مختلف توان لازم برای حفاظت از خود را ندارند. به بیان دیگر آنها نمونه‌های آسیب‌پذیر بودند<sup>۴</sup>. آسان‌کنندگی یا تحریک‌گری بزه‌دیده وصف بزه‌دیده‌ای است که در بزه‌ای مانند تجاوز که یکی از خشونت‌آمیزترین جرایم ارتكابی علیه دختران است اهمیت پیدا می‌کند. اگرچه به‌طور مطلق نمی‌توان گفت که بزه‌دیده جرم چون جرایم جنسی که اغلب زنان هستند، همواره نقش تحریک‌کننده یا شتاب‌دهنده‌ای در این رخداد داشته است. از جمله در ایران که آمار دقیق و مشخصی درباره نقش شتاب‌دهنده بزه‌دیدگان وجود ندارد.

## ب: تشویق‌گری

در تشویق‌گری نیز نقش بزه‌دیده در تشویق به عمل مجرمانه ممکن است منجر به تشویق اعمال مجرمانه توسط بزه‌کار گردد. این رهیافت معتقد است که خود بزه‌دیده شاید در رخداد جرم نقش

1. Victim Provocation  
2. Hans Von Henting  
3. Disabled People  
4. Vulnerable Specimens

داشته یا عامل تحریک مرتکب آن شده باشد و در واقع در این نوع از نگرش هم کنشی بزه‌دیده- بزهکار مورد واکاوی قرار می‌گیرد و کسی که در نهایت بزه‌دیده شده آغازکننده رفتارهای پرخاشگرانه بوده است. مفهوم تشویق‌گری و تحریک‌گری بزه‌دیده به وسیله ماروین ولف کنگگ<sup>۱</sup> در مطالعه قتل در سال ۱۹۵۸ شهرت یافت (الستی، حسن پور، ۱۳۸۵: ۴۰). او پی برد که بزه‌دیده جرم اغلب در مرگ خود مداخله دارد و ۲۵٪ از تمام قتل‌ها می‌تواند در اثر تحریک یا تشویق بزه‌دیده صورت گیرد. دو نوع از تشویق و تحریک بزه‌دیده وجود دارد: (۱) تشویق فعال: وقتی محقق می‌شود که بزه‌دیده به صورت محرک عمل می‌نماید و از تهدید و واژه‌های نزاع برانگیز استفاده می‌کند یا حمله ابتدایی می‌نماید. برای مثال برخی از متخصصان پیشنهاد کردند که زنان بزه‌دیده تجاوز با مهاجمان خود با پوشیدن لباس‌های تحریک‌کننده یا ادامه رابطه با او همکاری می‌کنند. دادگاه‌ها در پاره‌ای از موارد در پرونده‌های زنای به عنف اگر اعمال بزه‌دیده در هر حالتی به عنوان همراهی یا رابطه نامشروع تفسیر شود، به صدور احکام براءت متوسل شده‌اند؛ (۲) تحریک و تشویق غیر فعال: وقتی که بزه‌دیده بدون قصد با توجه به خصوصیات شخصیتی که دارد مهاجم را تشویق می‌کند.

### ۲-۲-۲. نقش آفرینی کنش‌پذیرانه

تأثیرپذیری بزه‌دیده از اوضاع و احوال پیرامونی و قرار گرفتن وی در موقعیت‌هایی که شرایط تصمیم‌گیری بهینه را برای وی دشوار می‌سازد، می‌تواند در پرتو شتاب‌دهندگی کنش‌پذیرانه مورد بررسی و تدقیق قرار گیرد. بدین‌سان، عدم برخورداری بزه‌دیده از قوه عاقله لازم جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی یا وجود محرومیت‌های عاطفی و... می‌تواند در سرعت بخشی به وقوع جرم یا تأثر از شرایط بزه‌دیده نقش بسزایی داشته باشد.

در موارد زیادی بزه‌دیده، کم و بیش حتی در عنصر مادی جرم یا تسهیل آن مشارکت دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۵۶۳) که می‌توان به نمونه‌های از آن اشاره نمود. البته این مشارکت گاهی آگاهانه و گاهی ناشی از غفلت یا ضعف قوای جسمی و دماغی است. نمونه این امر کودکانی هستند که به ارتکاب جرم علیه خود رضایت می‌دهند، ولی رضایت آنان توجیه‌کننده جرم ارتكابی توسط بزهکار نیست. مثلاً یک دختر زیر سن رشد و قانونی به قصد ازدواج یا زندگی با نامزد خود به فرار از خانه پدری تمایل نشان می‌دهد، سپس با تبانی، برنامه‌ریزی و مشارکت کامل و رضایت در ربوده شدن خویش مشارکت می‌کند. در مواردی نیز بزه‌دیده با حرکات و رفتار خود گاهی به غلط و از روی غفلت یا حتی آگاهانه اقدام می‌کند که فرصت ارتکاب جرم را برای مرتکب آسان سازد. اصطلاح با خواسته و علم خود نیز با تسامح به معنای رضایت است و بدین معناست که شخص با میل و علاقه تصمیم به انجام کاری می‌گیرد و از پیامد

1. Marvin Wolfgang

آن تصمیم آگاه باشد و این بدین معناست که فرد مقابل نمی‌تواند به واسطه حقه یا زور یا روش‌های مختلفی مانند ترساندن، گفتاری، اعمال زور فیزیکی، تهدید به شایعه‌پراکنی، مست کردن فرد یا وادار کردن به مصرف مواد مخدر رضایت وی را به دست آورد.

### ۳. گونه‌های بزه دیدگی

از میان نظریه‌های بزه دیدگی، نظریه سبب‌گری یا شتاب‌دهندگی بزه‌دیده‌مبنایی برای یکی از جدیدترین دیدگاه‌هایی شده که به مدل سناریوهای بزه‌دیدگی معروف است. این مدل چهار گونه را بر پایه میزان قصد مجرمانه مرتکب، از یک طرف و میزان سبب‌گری یا شتاب‌دهندگی بزه‌دیده از طرف دیگر را در یک رابطه میان کنشی به تصویر می‌کشد.

#### الف: تحریک

ولف گنگ<sup>۱</sup> نیز مانند پیشینیان خود به نقش بزه‌دیده در آنچه بر وی رفته علاقه‌مند بود، به بیانی دیگر چگونگی بزه‌دیده می‌توانست مسئول بزه‌دیدگی خود باشد؟ وی این مسئله را مطرح نمود که آیا بزه‌دیده با نشان دادن سلاح یا زدن مشت یا با نشان دادن خشونت موجب تحریک بزه‌کار شده است یا خیر و با توجه به گونه بزه‌دیدگی، تحریک‌پذیری بزه‌دیده وصف زنی است که سال‌ها مورد ضرب و شتم شوهرش قرار گرفته است و سرانجام برای رهایی و در دفاع از خود او را به قتل می‌رساند.

#### ب: مسئولیت برابر

مسئولیت برابر<sup>۲</sup> به حالتی اشاره دارد که بزه‌دیده به اندازه بزه‌کار در بروز رخداد مجرمانه نقش مؤثری ایفاء می‌کند برای نمونه بزه‌دیده‌ای برای خرید ماده مخدر به محل فروش مواد مراجعه می‌کند و در محل خرید با آنان درگیر می‌شود و ضمن ضرب و جرح ممکن است مورد تجاوز نیز قرار گیرد.

#### ج: بی‌گناهی یا بی‌تقصیری

بی‌گناهی یا بی‌تقصیری بزه‌دیده ناظر به فرضی است؛ بزه‌دیده در فرایند ارتکاب پدیده مجرمانه بی‌گناه و بی‌تقصیر است. برای نمونه یک کژرو جنسی دختری را از زمین‌بازی می‌دزدد و به او تجاوز می‌کند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۲۲).

در هر یک از این چهار گونه‌ها، در میان کنش بزه‌کار و بزه‌دیده بر پایه میزان تقصیر هر یک از طرف‌ها، رابطه معکوسی و وارونه‌ای وجود دارد؛ به‌طوری که بزه‌دیده تحریک‌پذیر دارای

1. Marvin E. Wolfgang  
2. Equal Responsibility

بیشترین میزان شتاب‌دهندگی یا نقش‌آفرینی و بزه‌دیده بی‌گناه یا بی‌تقصیر دارای کمترین میزان شتاب‌دهندگی می‌باشد (همان منبع، ۱۲۴) و خوب این متغیرها بر میزان مسئولیت کیفری بزه‌کار نیز تأثیر می‌گذارند. به طوری که تحریک‌پذیری بزه‌دیده می‌تواند کیفیت تخفیف‌دهنده‌ای برای کیفر بزه‌کار باشد؛ در حالی که بی‌گناهی و بی‌تقصیری بزه‌دیده برعکس یک کیفیت تشدیدکننده مجازات خواهد بود.

### بحث و نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی کلی مباحث می‌توان به نتایج زیر دست یافت و استدلال کرد که نظریاتی که در دوره جرم‌شناسی کلاسیک در تبیین بزه‌دیدگی زنان مطرح شدند؛ نمایانگر نخستین تبیین‌های جرم‌شناسانه مربوط به بزه‌دیده، بزه و بزه‌کار است که زمینه‌ای را برای ایجاد و گسترش نظریات علمی فراهم کرد و نظریه‌های معروف به فرصت جرم که در این دوره مطرح شدند منجر به اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه‌ای شدند تا در صدد حذف و یا کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم باشیم؛ زیرا همان‌طور که در این مقاله اشاره گردید؛ همیشه افرادی هستند که اگر فرصتی بیابند مرتکب جرم می‌شوند و این امر به ویژه در خصوص زنان به دلیل آسیب‌پذیری‌شان بیشتر نمود خواهد کرد و به طور کلی با توجه به نقش شتاب‌دهندگی، زنانی که در معرض بزه‌دیدگی گرفته‌اند، در بزه‌دیدگی خود مقصر شناخته می‌شوند و نقش مستقیم را ایفا می‌کردند. اگرچه به طور مطلق نمی‌توان گفت که بزه‌دیده جرم همواره نقش تحریک‌کننده یا شتاب‌دهنده‌ای در رخداد مجرمانه داشته است. از جمله در ایران که به دلیل رقم بالای سیاه‌بزه‌کاری این آمار مشخص نمی‌باشد و با در نظر گرفتن جنبه‌های پویا و ایستای شتاب‌دهندگی بزه‌دیده نیز نقش بزه‌دیده می‌بایست به صورت موردی در جرایم ارتكابی علیه ایشان بررسی گردد و با وجود این صرف نظر از نقش تحریک‌گر یا تسهیل‌گر زنان شایسته بهره‌مندی از حمایت‌های افتراقی یا فرق‌گذاری می‌باشد و هر اندازه که بزه‌دیده سرزنش‌پذیر باشد و یا نقش‌آفرین باشد، باید به ایشان به دلیل آسیب‌پذیری‌شان به عنوان بزه‌دیده بالقوه نگریسته شود و حق‌هایی را هم‌تراز و برابر با بزه‌کار داشته باشد و مورد حمایت قرار گیرد.

### پیشنهادها

با توجه به ادبیات تحقیق و هنجارهایی که در حوزه بزه‌دیده‌شناسی به تصویب رسیده‌اند و نیز یافته‌های حاصل از مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی پیشنهادهای ذیل می‌توانند در پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان و حمایت از آنان قابل طرح باشند.

۱. در این خصوص می‌توان به جهانی شدن سیاست جنایی در برابر بزه‌دیدگی زنان در پرتو اسناد سازمان ملل متحد سخن به میان آورد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۱۶)



- به‌کارگیری راه‌کارهای بالقوه‌ای مانند حذف بهانه‌ها، کاهش محرک‌ها، افزایش خطرات و افزایش تلاش‌ها؛
- ضرورت آموزش زنان و مقام قضایی در شرایط خاص بزه‌دیدگی در زمینه‌هایی مانند آسیب روانی ناشی از بزه‌دیدگی دختران، آموزش در خصوص پرداختن به بزه‌دیدگان در وضعیت‌های عملی؛
- افزایش خطرات ارتکاب جرم از طریق اقدامات نظارتی و کنترلی؛
- اصلاح سبک زندگی زنان؛
- پیشگیری از طریق طراحی محیطی؛
- کاهش حضور در موقعیت‌ها و مکان‌های جرم‌زا؛
- مقاوم کردن آماج‌های جرم؛
- اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه آموزشی برای کاهش یا حذف فرصت‌های جرم؛
- انجام پژوهش‌های علمی مرتبط با مسائل دختران به‌منظور شناسایی چالش‌های پیش روی بزه‌دیدگی آنان.

## سپاسگزاری

بدین وسیله از داوران محترم نشریه که با ارائه پیشنهادها و نکات ارزنده، سبب ارتقای کیفی این نگارش را فراهم آوردند کمال تشکر را داریم.

## منابع

- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۶). جرم شناسی پیشگیری. چاپ چهارم. میزان.
- ابراهیم آبادی، حسین. (۱۳۹۲). رویکردی میان رشته‌ایی به سبک زندگی با نگاهی به جامعه ایران. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ایی در علوم انسانی، (۴) ۵۳-۳۳.
- <https://ensani.ir/fa/article/328408>
- افراسیابی، علی. (۱۳۹۳). جنسیت و بزه دیدگی در دانشنامه بزه‌دیده شناسی و پیشگیری از جرم. جلد یکم. نشر میزان.
- دارابی، شهرداد. (۱۳۹۸). بزهکاری یقه سرخ‌ها. چاپ اول. نشر میزان.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۹۰). بزه‌دیده شناسی حمایتی. چاپ اول. نشر دادگستر.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۹۸). درآمدی بر جرم‌شناسی. چاپ اول. نشر سمت.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۹۸). بزه‌دیده شناسی. چاپ اول. نشر شهر دانش.
- رستمی تبریزی، لمیاء. (۱۳۹۳). نقش‌آفرینی بزه‌دیده در رخ دادن جرم در دانشنامه بزه‌دیده شناسی و پیشگیری از جرم. جلد یکم. نشر میزان.
- الستی، ساناز؛ حسن‌پور، معصومه. (۱۳۸۵). بزه‌دیده شناسی و پیش‌گیری از بزه دیدگی. مجله تخصصی نور. (۱) ۲۴-۲۷.
- <https://ensani.ir/fa/article/130483/>
- شیری، عباس. (۱۳۹۳). بزه‌دیده شناسی. در: دانشنامه بزه‌دیده شناسی و پیشگیری از جرم. جلد دوم. نشر میزان.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ صالحی، فرشته. (۱۳۹۷). پیشگیری وضعی از خشونت علیه زنان. مطالعات پیشگیری از جرم. ۱۳ (۴۷). ۶۴-۳۷.
- [http://cps.jrl.police.ir/article\\_20465.html](http://cps.jrl.police.ir/article_20465.html)
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۳). جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم. در: دانشنامه جرم‌شناسی. چاپ سوم. گنج دانش.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۵). پیشگیری عادلانه از جرم، در: علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری. چاپ ششم. انتشارات سمت.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۶). جنایات بین‌المللی و جرم‌شناسی، دیباچه در: جرم‌شناسی فراملی، انتشارات میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۵). درآمدی بر سیاست کیفری عوام‌گرا، دیباچه در: کریستین لازرژ، درآمدی بر سیاست جنایی. چاپ پنجم. انتشارات میزان.
- نجفی توانا، علی. (۱۳۹۹). تقریرات جرم‌شناسی. دوره دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- وجدانی فخر، مهدیه؛ دارابی، شهرداد؛ نجفی توانا، علی. (۱۴۰۰). بزه‌دیده شناسی آبی در سایه پدیده جهانی قتل زنان (فمسیاید)، مطالعات پلیس زن، ۱۵ (۳۵)، ۴۰-۲۱.

[http://journals.police.ir/article\\_96617.html](http://journals.police.ir/article_96617.html)

- وروایی، اکبر. (۱۳۹۳). نظریه‌های بزه‌دیدگی. در: دانشنامه بزه‌دیدہ شناسی و پیشگیری از جرم. جلد دوم. میزان.

- Rayejian Asli, M. (2013). Introducing general theory of victimology in criminal sciences. *The International Journal of Humanities*, 20(3), 53-79.

<https://eijh.modares.ac.ir/article-27-3774-en.html>

- Green, E. Hebron, S. & Woodward, D. (1987). *Women, leisure and social control*, In J. Hammer & M. Maynard (Ed.), *Women, violence and social control* (pp. 75-92). Atlantic Highland, N.J.: Humanities Press International.

Keller et al. (1994). *Sociology*. McGraw-Hill, New York.

<https://www.semanticscholar.org/paper/Women%2C-Leisure-and-Social-Control-Green-Hebron/cd34f8f573b37ddbf6985bf37faa41cb81dce932>

- Dussich, J. P. J., & Mundy, K. G. (2009). *Raising the global standards for victims: The proposed convention on justice for victims of crime and abuse of power*. Proceedings of the 4th Symposium of the Tokiwa International Victimology Institute, February 15 & 16, 2008

Schaefer, F.T. & Lamn, R.P. (1992). *Sociology*, McGraw-Hill, New York.

- Wilson, M. I., & Daly, M. (1992). Who kills whom in spouse killings? On the exceptional sex ratio of spousal homicides in the United States. *Criminology*, 30(2), 189-216.

[https://ijsp.ut.ac.ir/?\\_action=export&rf=idc&issue=7619&lang=en](https://ijsp.ut.ac.ir/?_action=export&rf=idc&issue=7619&lang=en)